

The Effect of Party Organizational Strength on the Sustainability of Growth Accelerations in Developing Countries

Mohammad Shahsanaei *, Ali Taiebnia **, Sajjad Barkhordari ***

Original Article	Receive Date: 2025 Dec 01	Accept Date: 2026 Aug 1	Page: 41-58
------------------	---------------------------	-------------------------	-------------

Abstract

In recent decades, most developing countries have experienced episodes of rapid economic growth that significantly diverged from their previous average growth rates. However, a large number of these countries have failed to achieve sustained economic growth following the initial growth acceleration. The political structure, as the primary determinant of property rights and the guardian of social order, plays a pivotal role in sustaining economic growth. Political parties, as key actors within this structure, can contribute significantly to this process. Stronger parties can overcome obstacles to sustained growth embedded in the political system more effectively. However, given that political parties emerged from the socioeconomic evolution of the Western world, a critical question arises: Can party strength positively influence the sustainability of growth accelerations in developing countries? To address this, the study first identifies growth accelerations in developing countries between 1957 and 2015 using the methodology proposed by Hausmann et al. It then examines the effect of party strength—measured via the Bizzarro index of party institutionalization—on the sustainability of these accelerations, employing survival analysis regression. The results reveal a robust, positive relationship between the organizational strength of political parties and the sustainability of growth accelerations in these contexts.

Keywords: Growth Acceleration, Party Strength, Survival Analysis, Sustainable Growth.

JEL Classification: O43, O40, D72.

* M.Sc. Graduate in Economics, Tehran University, Tehran, Iran

mohammed.sanaei@ut.ac.ir

** Professor of Economics, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding author)

taiebnia@ut.ac.ir

*** Professor of Economics, Tehran University, Tehran, Iran

barkhordari@ut.ac.ir

اثر قدرت سازمانی احزاب بر پایداری شتاب‌های رشد در کشورهای در حال توسعه

محمد شاه سنائی*، علی طیب‌نیا**، سجاد برخوردار***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۰	شماره صفحه: ۵۸-۴۱
-------------------	--------------------------	-------------------------	-------------------

چکیده

طی دهه‌های اخیر بیشتر کشورهای در حال توسعه، رشدهای بالای اقتصادی را در دوره‌هایی از زمان تجربه کرده‌اند که با میانگین رشد قبلی آن‌ها فاصله زیادی داشته است؛ با این حال تعداد زیادی از آن‌ها نتوانسته‌اند رشد اقتصادی پایداری بعد از شتاب گرفتن رشد را تجربه کنند. ساختار سیاسی به عنوان تعیین کننده حقوق مالکیت و حفظ کننده نظم، نقش تعیین کننده‌ای در تداوم یافتن رشد اقتصادی ایفا می‌کند. احزاب سیاسی به عنوان بازیگران این ساختار می‌توانند به این مهم کمک کنند. هرچقدر این احزاب قدرتمندتر باشند بهتر می‌توانند بر موانع تداوم رشد در ساختار سیاسی غلبه کنند. با توجه به اینکه احزاب سیاسی زاینده تحولات اقتصادی-سیاسی دنیای غرب هستند؛ مسئله این است که آیا در کشورهای در حال توسعه قدرتمندی احزاب می‌تواند بر پایداری شدن شتاب‌های رشد اثر مثبت داشته باشد؟ در این پژوهش ابتدا با استفاده از روشی که هاسمن و همکارانش پیشنهاد داده‌اند شتاب‌های رشد در کشورهای در حال توسعه بین سال‌های ۱۹۵۷ و ۲۰۱۵ میلادی شناسایی شدند. سپس اثر قدرت احزاب بر پایداری این شتاب‌ها با استفاده از رگرسیون تحلیل بقا و شاخص قدرتمندی احزاب بیزاور سنجیده شد. نتایج حاکی از اثرگذاری قوی و مثبت قدرت سازمانی احزاب بر پایداری شتاب‌های رشد در این کشورها است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل بقا، رشد پایداری، شتاب رشد، قدرت احزاب

طبقه‌بندی JEL: D72، O40، C25

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران

mohammed.sanaei@ut.ac.ir

** استاد اقتصاد، گروه اقتصاد اسلامی، اجتماعی و نهادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

taiebnia@ut.ac.ir

barkhordari@ut.ac.ir

*** استاد اقتصاد، گروه اقتصاد کاربردی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران

فصلنامه مجلس و اقتصاد، سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵

DOI: 10.22034/mec.2026.18483.1165

۱ - مقدمه

رشد اقتصادی موضوعی پیچیده است که به بسیاری از عوامل نهادی و غیرنهادی وابسته است. عوامل نهادی که درواقع قواعد بازی‌اند به‌منظور کاهش هزینه مبادلات به وجود می‌آیند و خود به دو بخش محدودیت‌های رسمی و غیررسمی تقسیم‌بندی می‌شود. در یک تقسیم‌بندی محدودیت‌های رسمی را می‌توان به قوانین سیاسی و قضایی، قوانین اقتصادی و قراردادها تقسیم‌بندی کرد. قوانین سیاسی و قضایی درواقع ساختار اصلی تصمیم‌گیری و ویژگی‌های نظارت بر مبادلات را تعیین می‌کنند و قوانین اقتصادی مشخص‌کننده حدود و ثغور مالکیت‌اند. به عقیده نورث^۱ (۱۹۹۰) بی‌ثباتی حقوق مالکیت و اجرای ضعیف قوانین در جهان سوم بنگاه‌ها را به‌سوی سرمایه‌اندک، افق کوتاه‌مدت و مقیاس‌های کوچک سوق می‌دهد. در این حالت سودمندترین فعالیت‌ها آن‌هایی است که به توزیع مجدد ثروت مربوط است نه خلق ثروت جدید.

در حکومت‌های امروزی مجالس قانون‌گذاری وظیفه تعیین قوانین و دولت‌ها وظیفه اجرای آن‌ها را بر عهده دارند. در این میان احزاب به‌عنوان سازمان‌های واسطه بین مردم و تصمیم‌گیرندگان سیاسی که هزینه انتخاب را برای مردم کاهش می‌دهند، نقش مهمی در تشکیل مجالس و دولت‌ها و تعیین جهت‌گیری آن‌ها دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد کشورهایی که احزاب قوی‌تری دارند رشدهای اقتصادی بالاتری را ثبت می‌کنند. البته احزاب قوی اگر با ایدئولوژی ضد توسعه همراه شوند به‌مانند کره شمالی در جهت تخریب رشد عمل خواهند کرد (Bizzarro et al., 2018).

احزاب سیاسی به شکل امروزی آن، برآمده از تحولات اجتماعی - اقتصادی در دنیای غرب است (Lipset & Rokkan, 1967). از سوی دیگر می‌دانیم که میان نهادها و عملکرد آن‌ها تناظر یک‌به‌یکی وجود ندارد (رودریک^۲، ۲۰۰۷)؛ بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که آیا احزاب سیاسی در کشورهای درحال توسعه می‌توانند کارکردهای مثبتی در رابطه با عملکرد اقتصادی از خود نشان دهند یا خیر؟ از منظر اقتصادهای درحال توسعه، این پرسش مطرح می‌شود که شکل‌گیری احزاب قدرتمند تا چه میزان و در چه مرحله‌ای برای این کشورها حائز اهمیت است؟ پاسخ به پرسش اخیر را این‌گونه می‌توان داد که مراحل رشد برای کشورهای درحال توسعه به دو مرحله شتاب رشد و پایداری شتاب رشد تقسیم می‌شود (همان). مقصود از شتاب در رشد این است که کشور موردنظر در یک دوره زمانی مشخص رشدی بیش از میانگین رشد قبلی خود را تجربه کند. به زبان الگوهای نئوکلاسیک رشد این یعنی کشور موردنظر از حالت پایدار خود فاصله می‌گیرد. اهمیت این مرحله برای کشورهای درحال توسعه در این است که این کشورها برای کم کردن فاصله خود با کشورهای توسعه‌یافته باید از دام تعادل‌های سطح پایین خارج شوند و برای این کار به رشدهای بالا نیاز دارند. شتاب‌های رشد در بسیاری از این کشورها رخ می‌دهند (Hausmann, Pritchett, & Rodrik, 2005)؛ اما همه آن‌ها سرنوشت یکسانی ندارند. دوره‌های رشد بالا، می‌توانند ادامه پیدا کنند، با رشدهای منفی و سقوط به تعادل‌های پایین‌تر همراه شوند، متوقف شوند یا با نرخ رشد ملایم‌تری ادامه یابند (Pritchett, 2000). نهادها بیشتر از آن‌که با وقوع شتاب‌های رشد در ارتباط باشند با پایداری این شتاب‌ها مرتبط‌اند (رودریک، ۲۰۰۷)؛ بنابراین تقویت احزاب در کشورهای درحال توسعه بیش از تحریک رشدهای پرشتاب، از منظر پایداری شتاب‌های رشد می‌تواند حائز اهمیت باشد. فرضیه اساسی این پژوهش آن است که کشورهای درحال توسعه دارای احزاب قدرتمندتر، شتاب‌های رشد پایدارتری را تجربه می‌کنند. به‌منظور فراهم کردن یک چارچوب نظری برای فرضیه فوق در بخش دوم این مطالعه به بررسی رابطه میان قدرت سازمانی احزاب و رشد پایدار اقتصادی از نگاه اقتصاد نهادگرا پرداخته و مروری بر پژوهش‌های انجام‌گرفته در این رابطه انجام می‌شود. در بخش سوم با استفاده از چارچوب فراهم‌شده الگویی مفهومی از رابطه علی قدرت سازمانی

¹ Douglass North

² Dani Rodrik

احزاب و رشد پایدار ارائه می‌شود. سپس شتاب‌های پایدار رشد را به صورت کمی تعریف نموده و یک الگوی ریاضی بر اساس رگرسیون تحلیل بقا به منظور بررسی فرضیه مطرح شده معرفی می‌شود. در بخش چهارم به معرفی متغیرها و تحلیل آماری اولیه آن‌ها پرداخته و در بخش پنجم نتایج حاصل از تخمین ضرایب معادله رگرسیونی تحلیل می‌شود.

۲- ادبیات تحقیق

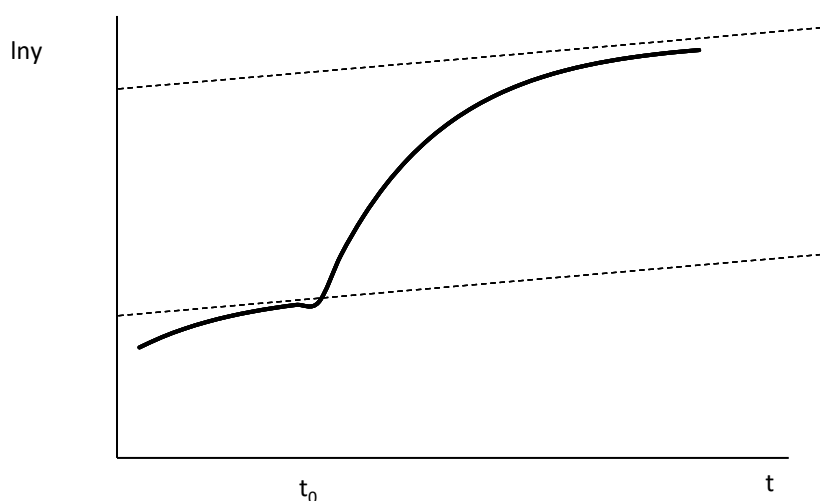
۲-۱. مبانی نظری تحقیق

۲-۱-۱. شتاب‌های رشد و پایداری آن

ادبیات شتاب رشد ریشه در علاقه اقتصاددانان به فهم چرایی چرخش‌های یک‌باره در نرخ‌های رشد اقتصادی دارد. بن دیوید و پاپل (۱۹۹۸) برای اولین بار اقدام به شناسایی شکست‌های رو به پایین نرخ رشد اقتصادی در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم کردند. رودریک (۱۹۹۸) به مطالعه چرایی افت قابل توجه رشد اقتصادی در برخی از کشورها بعد از سال ۱۹۷۵ میلادی پرداخت. پریچت (۲۰۰۰) با بررسی روندهای میان مدت رشد، به این نتیجه رسید که الگوی رشد در کشورهای در حال توسعه کاملاً متمایز از کشورهای توسعه یافته است. تولید ناخالص سرانه در کشورهای توسعه یافته با روندی آرام و نوسانات اندک رو به افزایش است در حالی که کشورهای در حال توسعه نوسانات شدیدی در رشد اقتصادی را تجربه می‌کنند. نوساناتی که در بسیاری از موارد با شکست‌های ساختاری در نرخ رشد همراه است. از این رو به جای تمرکز بر میانگین‌های نرخ رشد باید به شناسایی عواملی پرداخت که یک دوره رشد را آغاز می‌کنند یا به آن پایان می‌دهند. اصطلاح شتاب رشد برای اولین بار توسط هاسمن، پریچت و رودریک (۲۰۰۵)، مطرح شد. منظور آن‌ها از شتاب‌های رشد شکست‌های رو به بالای نرخ‌های رشد اقتصادی طی یک دوره زمانی معین است.

از منظر الگوهای نئوکلاسیک رشد، شتاب‌های رشد می‌توانند موجب گذار پایدار به تعادل سطح بالاتر شوند. شکل ۱ چنین گذاری را نشان می‌دهد. تا قبل از زمان t_0 رشد تولید ناخالص سرانه در حال همگرا شدن به مقدار ثابت خود در تعادل سطح پایین (خط چین پایینی) است. در زمان t_0 یک شتاب رشد رخ داده و نرخ رشد پس از افزایش به مقدار ثابت خود در تعادل سطح بالاتر (خط چین بالایی) همگرا می‌شود. گذار پایدار امری تضمین شده نیست. در عمل بسیاری از کشورها پس از شتاب گرفتن در رشد با سقوط به تعادل‌های سطح پایین تر مواجه می‌شوند یا اینکه وارد رکود شده و از مسیر همگرایی به سطوح تولید بالاتر دور می‌شوند (Pritchett, 2000).

شتاب‌های رشد ماهیت تناوبی دارند به طوری که یک کشور به طور متوسط در یک دهه ۲۵٪ درصد شانس شتاب در رشد را دارد در حالی که رشد پایدار کمتر اتفاق می‌افتد. می‌توان با انجام تغییرات نهادی حداقلی به رشدی پرشتاب دست یافت؛ اما پی‌ریزی و تکامل اصلاحات نهادی عمیق تر که لازمه همگرایی در بلندمدت است، امری زمان بر بوده و چون به طور مستقیم ضروری ترین قیود و فرصت‌های پیش روی اقتصاد را هدف قرار نمی‌دهد ممکن است در ابتدا مؤثرترین راه برای ارتقای رشد نباشند. کیفیت نهادی به خصوص نهادهایی که منازعات اجتماعی را مدیریت می‌کنند عاملی تعیین کننده در پایداری رشد اقتصادی است (رودریک، ۲۰۰۷). نهادهای سیاسی مانند مردم سالاری می‌توانند بر طول دوره پایداری شتاب‌های رشد اثرگذار باشند (Berg, Ostry & Zettelmeyer, 2012).



شکل ۱. شتاب رشد پایدار در الگوی نئوکلاسیک
 مأخذ: (Hausmann, Pritchett, & Rodrik, 2005)

۲-۱-۲. احزاب و رشد پایدار اقتصادی

تداوم رشد اقتصادی محصول تغییرات چارچوب نهادی در جهت توسعه و همچنین حفظ نظم است. چارچوب نهادی باید به گونه‌ای تغییر یابد که نوآوری مولد را تشویق کند. چارچوب نهادی ساختار اقتصادی یا همان حقوق مالکیت را ساختار سیاسی تعیین می‌کند؛ اما ساختار سیاسی در عمل بسیار ناکارا است و برای تغییر دادن حقوق مالکیت در جهت رشد با موانع بسیاری روبرو است (نورث، ۲۰۰۵). یکی از این موانع نوع منطق بازیگران ساختار سیاسی است، برای بازیگر سیاسی هدف کسب و حفظ قدرت است (Goulet, 1986). آن‌ها زمانی توسعه را دنبال خواهند کرد که راستای این هدف قرار گیرد اما رسیدن بازیگران ساختار سیاسی به این ادراک که توسعه در راستای منافع آن‌ها است دشوار است چرا که تغییرات اقتصادی زمان‌بر است درحالی‌که افق زمانی سیاستمدارانی که باید تغییرات را تصویب کنند کوتاه است (نورث، ۲۰۰۵). در اینجا نفع شخصی بازیگران سیاسی با نفع عمومی جامعه دچار تعارض می‌شود.

از سوی دیگر حتی اگر منافع سیاستمداران با منافع جامعه‌ای که آن را نمایندگی می‌کنند در تعارض نباشد، ممکن است اطلاع دقیقی از منافع جامعه نداشته باشند و بنابراین مسیرهایی را دنبال کنند که آن‌ها را از نفع عمومی جامعه دور کند. حتی با داشتن اطلاعات صحیح، این اطلاعات ممکن است به غلط تفسیر شوند. ساختار سیاسی با نظام باورها آمیختگی زیادی دارد در نتیجه اطلاعات به شدت در معرض تفسیر نادرست هستند. مثال بارز در این زمینه شوروی سابق است که ایدئولوژی کمونیسم مانع از ادراک صحیح و مختل شدن فرایند بازخورد سیاست‌ها در ساختار سیاسی شده بود؛ در نتیجه نتایج برنامه‌ها با اهداف فاصله زیادی پیدا کرد (نورث، ۲۰۰۵).

از سوی دیگر فرآیند رشد متضمن بی‌ثباتی است (نورث، ۱۹۸۱). تحولات اقتصادی به خاطر این که درآمدهای مطلق و نسبی و همچنین منافع گروه‌ها را دچار تغییر می‌کند؛ مستعد بی‌نظم کردن محیط است. گروه‌هایی که منافع آن‌ها با اعمال تغییرات به خطر می‌افتد اگر در ساختار سیاسی به قدرت دسترسی داشته باشند مانع اعمال این تغییرات می‌شوند (نورث، ۲۰۰۵). همچنین ممکن است گروه‌های در معرض خطر بکوشند با توسل به خشونت و براندازی نظام سیاسی

فعلی قدرت را در دست گیرند (نورث، ۱۹۹۰). علاوه بر این تکانه‌های خارجی مانند بحران‌های مالی جهانی، جنگ و تحریم می‌تواند نزاع‌های پنهان بر سر توزیع ثروت و درآمد را فعال و تداوم رشد را با مشکل مواجه کند. این مشکل زمانی مرتفع می‌شود که نهادهای مدیریت نزاع به‌خوبی عمل کنند (رودریک، ۲۰۰۷).

با توجه به آنچه در سطور پیشین بیان شد موانع موجود بر سر راه رشد پایدار در ساختار سیاسی را می‌توان در چهار مورد خلاصه کرد: دید کوتاه‌مدت سیاستمداران، نقص اطلاعاتی، ایدئولوژی ناهماهنگ با توسعه و ناتوانی در مدیریت نزاع.

اما احزاب سیاسی چه ارتباطی با موانع برشمرده در بالا دارند؟ احزاب سیاسی سازمان‌هایی‌اند که برای کسب قدرت در ساختار سیاسی تلاش می‌کنند. در اوایل قرن نوزدهم و در اروپای غربی جایی که حق رأی همگانی هنوز وجود نداشت، هسته احزاب اولیه شکل گرفت. احزاب اولیه بیشتر گروه‌های متنفذ و ثروتمند محلی را شامل می‌شد که برای بسط نفوذ خود در مجالس قانون‌گذاری باهم رقابت می‌کردند. این گروه‌ها به خاطر وجود قوانین محدودیت رأی نیازی به کسب اعتماد توده مردم نداشتند؛ در نتیجه تلاش سازمانی گسترده برای آن‌ها بی‌معنا بود (گانتز^۱ و دیاموند^۲، ۲۰۰۱). با تغییر قوانین رأی‌دهی و گسترش حق رأی، جلب رضایت توده‌های مردم برای رسیدن به قدرت به امری الزامی نزد گروه‌های سیاسی تبدیل شد به‌طوری‌که از واسط قرن نوزدهم شاهد شکل‌گیری احزاب سازمان‌یافته به شکل امروزی آن هستیم (LaPalombara & Weiner, 1966).

بنابراین احزاب سیاسی تنها بازیگرانی در ساختار سیاسی نیستند؛ بلکه با حضور در ساختار اجتماعی سعی در جلب نظر گروه‌های اجتماعی دارند. احزاب هنگامی که به قدرت می‌رسند منافع این گروه‌ها را در ساختار سیاسی پیگیری می‌کنند (Ibid). احزاب به‌عنوان پیوندی بین جامعه و دولت عمل می‌کنند. حتی در نظام‌های خودکامه آن‌ها نقش هدایت روابط ملت – دولت در مسیرهای مشخص را بر عهده دارند (Golosov, 2022)؛ چرا که یک حاکم خودکامه هم می‌داند که باید ابزارهایی برای انطباق دولت و جامعه و مهار جامعه در اختیار داشته باشد (LaPalombara & Weiner, 1966). رأی‌دهندگان در یک نظام مردم‌سالار برای انتخابات نامزدهای انتخاباتی، هزینه‌هایی را متحمل می‌شوند؛ از وقت‌گذاشتن برای شناسایی نامزدهایی که منافع آن‌ها را بیشتر دنبال می‌کنند تا ایستادن در صف و رأی دادن، در مقابل ارزش احتمال انتخاب‌شدن نامزد موردنظر در اثر تک رأی آن‌ها بسیار پایین است (کالیز^۳ و جونز^۴، ۲۰۰۹). احزاب سیاسی با انتخاب نامزدها بر اساس معیارهای حزبی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات با رأی‌دهندگان هزینه کسب اطلاعات برای آن‌ها را کاهش می‌دهند (Jones & Hudson, 1998). در مورد نظام‌های اقتدارگرا اگرچه سازوکار انتخابات عمومی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما رهبران به‌وسیله انتخابات درون‌حزبی برگزیده می‌شوند. حاکمیت قواعد حزبی رفتارهای رهبران را محدود کرده و ناطمینانی در خصوص رفتار آینده آنان را کاهش می‌دهد و این به معنی کاهش هزینه مبادلات سیاسی برای عموم جامعه است. احزاب از طریق ساختار سلسله‌مراتبی خود و شعبی که در سراسر کشور دارند، هزینه کسب اطلاع از منافع جامعه را برای سیاستمداران کاهش می‌دهند چه این‌که کسب اطلاعات در چنین دایره وسیعی برای یک سیاستمدار منفرد بسیار دشوار است؛ بنابراین احزاب سیاسی در کاهش نقص اطلاعاتی در ساختار سیاسی می‌توانند مؤثر باشند.

دو کارکرد تجمیع منافع و ایجاد همگرایی اجتماعی که در طبقه‌بندی گانتز و دیاموند (۲۰۰۱) برای کارکرد احزاب ذکر شده است مرتبط با کارکردی است که مدیریت نزاع نامیده می‌شود. تغییرات در حقوق مالکیت با مقاومت در هر دو

¹ Richard Gunther

² Larry Diamond

³ John Cullis

⁴ Philip Jones

ساختار سیاسی و اجتماعی روبرو می‌شوند. احزابی که قدرت چانه‌زنی بالایی دارند می‌توانند بر مقاومت‌های داخل ساختار قدرت غلبه کنند. احزاب همچنین به‌عنوان نمایندگان منافع گروه‌های اجتماعی در داخل ساختار قدرت با باز توزیع مجدد منابع می‌توانند پیامدهای شدید تکانه‌ها اقتصادی را مهار کنند. چانه‌زنی دوطرفه با گروه‌های اجتماعی و نهادهای قدرت این امکان را به آن‌ها می‌دهد تا رضایت نسبی طرف‌ها را فراهم کرده و از وقوع شورش و بی‌نظمی جلوگیری کنند. احزاب در حکومت‌های اقتدارگرا با مدیریت افکار عمومی، می‌توانند سرکوب گروه‌هایی که در مقابل تغییرات مقاومت می‌کنند را توجیه کرده و تغییرات را به‌سرعت به‌پیش برند.

احزاب برای موفقیت در مدیریت نزاع‌های اجتماعی باید طیف فراگیری از اقشار جامعه را با خود همراه کرده باشند. همچنین برای غلبه بر نهادهای مانع توسعه و فیصله دادن به منازعات ساختار سیاسی باید قدرت خود را نهادینه کرده باشند. این دو امر یک‌شبه اتفاق نمی‌افتند و نیازمند تداوم حزب در طول زمان اند چرا که تصویر یک حزب در میان مردم و حمایت مردم از آن به‌وسیله سیاست‌ها و عملکرد حزب در دوره‌هایی که حزب مسئولیت حکومت را بر عهده دارد، شکل می‌گیرد (Bizzarro et al., 2018). برای تداوم و پایداری، حزب نمی‌تواند تنها اهداف کوتاه‌مدت را در نظر بگیرد و باید افقی بلندمدت بر اهداف آن حاکم باشد. در اینجا رابطه مانع اول توسعه یعنی ناسازگاری زمانی اهداف سیاستمداران و تحولات اقتصادی با کارکردهای حزب مشخص می‌شود. احزابی که ماندگار هستند به‌احتمال زیاد اهداف بلندمدت را در نظر می‌گیرند و این ناسازگاری را تعدیل خواهند کرد.

اگر بخواهیم در یک جمله تمام موارد گفته‌شده دربند بالا را خلاصه کنیم باید گفت: احزابی می‌توانند بر موانع موجود در ساختار سیاسی فائق آیند و حقوق مالکیت را در جهت تشویق فعالیت‌های مولد اصلاح کنند که قدرتمند باشند. یکپارچگی، تمرکز، پیچیدگی سازمانی، فراگیری و تداوم از مشخصات بارز این احزاب است (Ibid). آن‌ها همچنین با مدیریت منازعات اجتماعی نظم جامعه را حفظ کرده و تداوم اصلاحات را تضمین می‌کنند. قدرتمندی شرط لازم برای حرکت احزاب در جهت توسعه است؛ اما همان‌طور که قبلاً هم بیان شد بدون یک نظام باور سازگار با توسعه نمی‌توان در این جهت حرکت کرد. چه‌بسا ترکیب قدرت حزبی با باورهای ضد توسعه حرکت در جهت معکوس را شتاب دهد.

۲-۲. پیشینه پژوهش

۲-۱-۲. مطالعات خارجی

نزدیک‌ترین پژوهش خارجی به پژوهش حاضر، مطالعه بیزارو و همکاران (۲۰۱۸) است. آن‌ها ابتدا با ترکیب شش متغیر سازمان حزبی، شاخصی ترکیبی از قدرت حزب ساختند. سپس با برازش رشد سرانه تولید ناخالص ملی بر این شاخص با استفاده از داده‌های تابلویی رابطه‌ای مستقیم و قوی میان قدرت احزاب و رشد اقتصادی یافتند. آن‌ها همچنین با معیار قرار دادن رشد متوسط پنج‌ساله بالای صفر درصد به‌عنوان رشد پایدار و با استفاده از یک الگوی احتمال خطی دریافتند که هر درجه قوی‌تر بودن احزاب احتمال پایدار بودن رشد را ۱۱ درصد به‌طور متوسط افزایش می‌دهد. نمونه مورد مطالعه آن‌ها شامل ۱۵۳ کشور از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۰ بود.

برگ و همکاران^۱ (۲۰۱۲) با استفاده از روش تحلیل بقا، تأثیر متغیرهای مختلف بر پایداری شتاب‌های رشد را در ۱۴۰ کشور و بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۴ میلادی سنجیدند. آن‌ها رابطه معناداری و منفی میان نابرابری و اقتدارگرایی با پایداری شتاب‌های رشد یافتند.

¹ Berg et al.

پریمو و اسنایدر^۱ (۲۰۱۰) با برآزش میزان کمک‌های فدرال و بودجه‌های عمومی ایالتی در ایالت‌های مختلف آمریکا بر شاخص سازمان حزب سنتی بین سال‌های ۱۹۵۷ تا ۲۰۰۰ میلادی نتیجه گرفتند که رابطه معکوسی میان سیاست‌های توزیعی و قدرت احزاب وجود دارد. توجیه علی آن‌ها برای این مسئله این بود که ضعف سازماندهی حزبی در هنگام انتخابات باعث می‌شود نامزدهای انتخاباتی برای رأی‌آوری بیشتر از این‌که به حزب وابسته باشند بر ویژگی‌های فردی خود تکیه کنند. آن‌ها برای جلب حمایت مردم حوزه انتخابیه، شروع به دادن وعده‌های مالی می‌کنند. پس از انتخاب آن‌ها سعی می‌کنند سهم بزرگ‌تری از منابع عمومی را برای اجرای پروژه‌های بزرگ به‌سوی حوزه انتخابیه خود هدایت کنند. پروژه‌هایی که لزوماً کارا نیستند.

کور (۲۰۰۷) با بررسی آماری نرخ‌های رشد هندی بیان کرد که برخلاف تصور موجود شتاب رشد اقتصادی هند از اواسط دهه ۸۰ میلادی و پیش از اجرای اصلاحات مبتنی بر آزادسازی اقتصادی در دهه ۹۰ میلادی آغاز شده است. بااین‌حال اجرای اصلاحات اقتصادی در دهه ۹۰ میلادی به پایداری شتاب آغاز شده و سرعت بیشتر آن کمک کرد. او آغاز شتاب رشد اقتصادی در هند را با حرکت دولت در راستای تسهیل مجوزهای کسب‌وکار مرتبط می‌داند.

هاسمن و همکاران^۲ (۲۰۰۵) با ارائه یک معیار کمی اقدام به شناسایی شتاب‌های رشد و تداوم رشد مابین سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۹۲ کردند. آن‌ها همچنین با در نظر گرفتن یک الگوی پروبیت^۳ و مرتبط کردن احتمال وقوع شتاب‌های رشد با تکان‌ها تجاری، تغییرات نظام سیاسی و اصلاحات اقتصادی دریافتند که تغییرات در نظام سیاسی پیش‌بینی کننده بهتری برای وقوع شتاب در رشد است.

۲-۲-۲. مطالعات داخلی

مطالعات داخلی در رابطه با موضوع احزاب و اقتصاد بسیار محدود است. نزدیک‌ترین کار مطالعاتی انجام‌شده به پژوهش حاضر در میان مطالعات داخلی، متعلق به بخشی‌انی و همکاران (۱۴۰۱) است. آن‌ها برای بررسی اثر نوع نظام سیاسی بر کیفیت نهادهای اقتصادی، نظام‌های سیاسی را به چهار گروه نظام‌های اقتدارگرای اولیه و بالغ و نظام‌های مردم‌سالار اولیه و بالغ تقسیم کردند. نظام‌های بالغ نظام‌هایی‌اند که قدرت در آن‌ها تقسیم می‌شود و نظام‌های نابالغ نظام‌هایی‌اند که قدرت در انحصار فرد قرار می‌گیرد. آن‌ها سپس با برآزش شاخص حکومت قانون بر متغیرهای کیفی این چهار نظام دریافتند که کیفیت نهادهای اقتصادی در نظام‌های اقتدارگرای بالغ و مردم‌سالاری‌های بالغ مشابه هم است و بالاتر از نظام‌های اقتدارگرا و مردم‌سالاری‌های اولیه قرار دارد. ارتباط این پژوهش با مسئله احزاب در این است که نظام‌های حزب محور در هر دو نوع مردم‌سالاری و اقتدارگرایی، نظام‌هایی بالغ به شمار رفته‌اند.

درمجموع می‌توان گفت پژوهش‌های اندکی در زمینه ارتباط نرخ رشد اقتصادی و قدرت احزاب سیاسی انجام گرفته است که نتایج آن‌ها از ارتباط مثبت میان این دو حمایت می‌کند. این پژوهش‌ها به‌طور خاص کشورهای در حال توسعه را مورد مطالعه قرار نداده‌اند؛ همچنین بیشتر نرخ رشد را در نظر گرفته و از منظر پایداری شتاب‌های رشد به موضوع ورود نکرده‌اند. پژوهش‌هایی که به مطالعه شتاب‌های رشد پرداخته‌اند؛ رابطه مثبتی میان برخی متغیرهای سیاسی مانند مردم‌سالاری و پایداری این شتاب‌ها پیدا کرده‌اند اما اثر قدرتمندی احزاب را مورد بررسی قرار نداده‌اند. مزیت این پژوهش نسبت به مطالعات انجام‌شده در این زمینه، پرداختن به موضوع احزاب و رشد اقتصادی از دریچه پایداری شتاب‌های رشد و محدود کردن نمونه به کشورهای در حال توسعه است.

^۱ Primo & Snyder

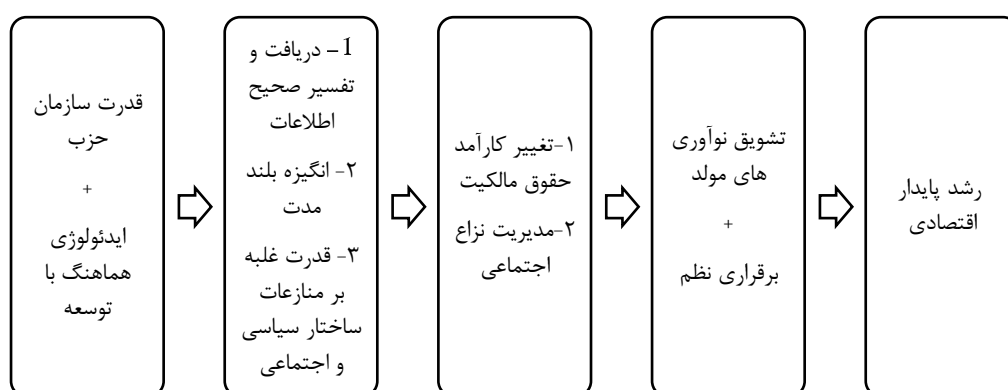
^۲ Hausmann et al.

^۳ probit

۳- روش‌شناسی تحقیق

۳-۱. الگوی مفهومی

بر اساس مبانی نظری که در بخش قبلی ارائه شد، شکل ۲ الگوی مفهومی رابطه قدرت احزاب و پایداری رشد را به نمایش می‌گذارد.



شکل ۲. الگوی مفهومی رابطه قدرت احزاب و رشد اقتصادی

مأخذ: تحلیل پژوهشگران بر اساس نورث (۲۰۰۵)، رودریک (۲۰۰۷) و بیزارو (۲۰۱۸)

۳-۲. روش‌شناسی شتاب‌های رشد و پایداری آن

در این پژوهش، پایداری رشد را از منظر پایداری شتاب‌های رشد مورد بررسی قرار می‌دهیم. لذا لازم است تا در ابتدا معیاری کمی از شتاب‌های رشد ارائه دهیم. هاسمن و همکاران (۲۰۰۵) معیاری را برای اندازه‌گیری شتاب‌های رشد ارائه داده‌اند. اگر میانگین رشد در فاصله زمانی t تا $t+n$ ، y_{t+n} تولید سرانه در زمان $t+n$ و $\Delta g_{t,n} = g_{t,t+n} - g_{t-n,t}$ باشد؛ مطابق با این معیار سه شرط برای شناسایی شتاب رشد وجود دارد:

$$1- g_{t,t+n} \geq 0.35 \text{ رشد سریع}$$

$$2- \Delta g_{t,n} \geq 0.2 \text{ شتاب رشد}$$

$$3- \{y_{t+n} > \max\{y_i\}, i < t\} \text{ بزرگ‌تر بودن تولید سرانه آخر دوره از بیشینه قبل از دوره.}$$

شرط اول بیانگر رشد سریع است. ممکن است مطابق با شرط دوم، نرخ رشد به میزان زیادی بهبود یافته باشد، اما مقدار مطلق آن عدد کوچکی باشد. نرخ‌های پایین رشد برای پر کردن فاصله کشورهای درحال توسعه کافی نیست به همین دلیل شتاب‌های همراه با نرخ‌های رشد پایین حذف می‌شوند. شرط سوم به این دلیل گذاشته می‌شود که شتاب رشد ناشی از ترمیم اقتصاد بعد از تکانه واردآمده در دوره قبل نبوده باشد. همچنین آن‌ها با در نظر گرفتن $n=7$ میانگین‌های رشد را در دوره‌های هفت‌ساله محاسبه و اقدام به شناسایی شتاب‌های رشد کردند. از نظر هاسمن و همکاران یک شتاب رشد پایدار است اگر در دوره ۱۰ ساله بعد از اتمام دوره هفت‌ساله شتاب گرفتن، نرخ رشد همچنان بالای ۲٪ باشد. مقدار ۲٪ بدین خاطر انتخاب شده که میانگین بلندمدت رشد در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی

است. کشورهای عضو این سازمان عمدتاً کشورهای صنعتی شده هستند. در صورتی که نرخ رشد کشورهای در حال توسعه کمتر از ۲٪ باشد، تولید سرانه آنها نمی‌تواند به کشورهای صنعتی شده همگرا شود (Hausmann, Pritchett, & Rodrik, 2005).

ما شتاب‌های رشد را به‌مانند روش هاسمن شناسایی خواهیم کرد اما پایداری شتاب رشد را اندکی متفاوت تعریف می‌کنیم: پس از اتمام دوره ۷ ساله شتاب تا هر زمان که نرخ رشد بالای ۲٪ قرار دارد، شتاب پایدار است. همچنین شتاب‌هایی را که به‌وسیله رشد پایدار به هم متصل می‌شوند را به‌صورت جداگانه مورداندازه‌گیری قرار نمی‌دهیم و سال‌های شتاب دوم را به‌عنوان پایداری شتاب اول در نظر می‌گیریم. این تعریف به ما کمک خواهد کرد تا احتمال پایداری بودن شتاب رشد را با استفاده از رگرسیون تحلیل بقا بسنجیم.

۳-۳. الگوی ریاضی و روش برآورد

در روش تحلیل بقا احتمال اینکه یک پدیده بین زمان t تا $t+1$ پایدار شود به شرطی که تا زمان t پایدار بوده باشد به‌وسیله تابع خطر^۱ و به‌صورت زیر بیان می‌شود (Wooldridge, 2010):

$$\lambda(t, X(t)) = P(t < T < t + 1 | T > t, X(t)) \quad (1)$$

که در آن T زمان پایدار بودن پدیده و $X(t)$ برداری از متغیرهای توضیحی است. شکل معمول این تابع به‌صورت زیر است:

$$\lambda(t, X(t)) = \lambda_0(t) \exp(X(t)\beta) \quad (2)$$

که در آن $\lambda_0(t)$ جزء مستقل از متغیرهای توضیحی است. با استفاده از معادله بالا و الگوی مفهومی ارائه‌شده در شکل ۲، ما شکل رگرسیونی الگوی خود را به‌صورت زیر می‌نویسیم:

$$\ln \lambda(t) = \ln \lambda_0(t) + \beta_1 PSI(t-7) + \beta_2 PR(t-7) + X(t)\delta + u(t) \quad (3)$$

که در آن PSI^2 متغیر قدرت احزاب، PR^3 حقوق مالکیت، δ بردار ضرایب سایر متغیرهای توضیحی و $u(t)$ جملات خطاست. حقوق مالکیت را به‌عنوان پراکسی از ایدئولوژی وارد الگو کرده‌ایم. میزان رعایت حقوق مالکیت خصوصی می‌تواند نماینده خوبی برای نظام باورهای حاکم بر اقتصاد باشد؛ چه اینکه وجه تمایز نظام‌های فئودالی و سوسیالیستی با نظام سرمایه‌داری است (نورث، ۲۰۰۵). اعداد بالاتر این شاخص نشان‌دهنده احساس محدودیت کمتر در مالکیت خصوصی هستند نه الزاماً حقوق مالکیت کاراتری که منجر به تشویق نوآوری می‌شود؛ چه این که حقوق مالکیت کارا مستلزم اعمال برخی محدودیت‌ها بر مالکیت خصوصی است (نورث، ۱۹۸۱)؛ لذا این شاخص، اثر قدرت احزاب بر تغییر کارای حقوق مالکیت که در بخش مبانی نظری به آن اشاره شد را به‌طور کامل جذب نمی‌کند. دو متغیر قدرت حزب و ایدئولوژی حاکم با تأخیر هفت‌ساله یعنی در ابتدای دوره اندازه‌گیری متوسط رشد، وارد شده‌اند تا از اثر علیت معکوس جلوگیری شود. برای تخمین ضرایب در رابطه ۳ از روش حداکثر درست‌نمایی استفاده می‌شود. برای استفاده از این

¹ hazard function

² party strength index

³ property rights

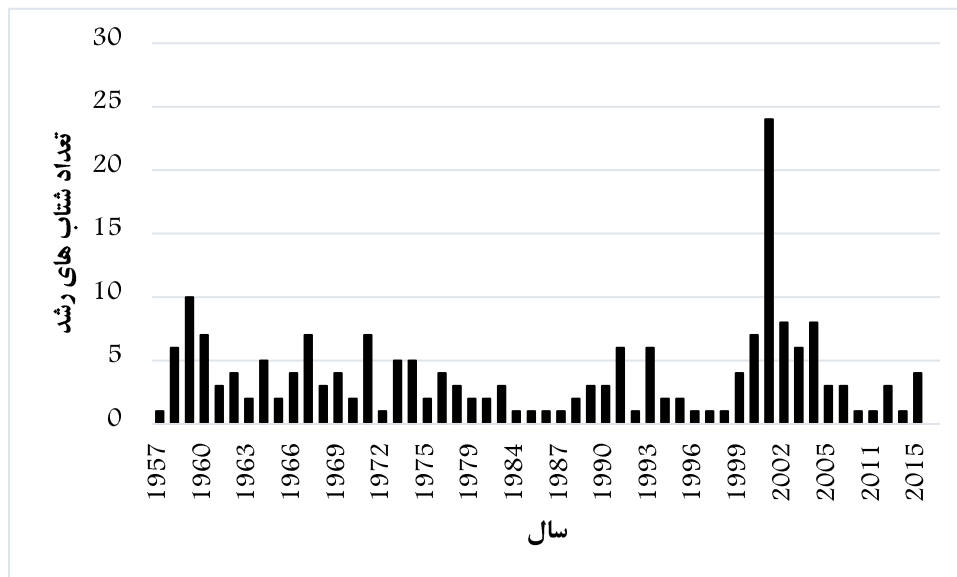
روش باید توزیع مشخصی را برای تابع خطر در نظر بگیریم. بهمانند برگ و همکاران (۲۰۱۲) این تابع را با توزیع ویبول^۱ در نظر می‌گیریم که به صورت زیر است:

$$\lambda_0(t) = \alpha t^{\alpha-1} \quad (۴)$$

از آنجا که α پارامتری مجهول است و به همراه ضرایب تخمین زده خواهد شد؛ این توزیع به ما این امکان را می‌دهد تا با انعطاف خوبی، کاهشی یا افزایشی بودن تابع خطر مستقل از متغیرهای توضیحی در طول زمان را حدس بزنیم.

۴-۳. داده‌ها و تحلیل آماری

با استفاده از نسخه ۲۰۲۳ داده‌های مدیسون^۲ برای تولید ناخالص ملی و استفاده از روشی که در بخش قبل توضیح داده شد، ۲۲۷ شتاب رشد از سال ۱۹۵۶ تا ۲۰۱۵ میلادی شناسایی شدند. به علت استفاده از میانگین‌های هفت‌ساله آخرین شتاب قابل‌شناسایی در سال ۲۰۱۵ است. از آنجا که مورد مطالعه این پژوهش تنها کشورهای در حال توسعه‌اند؛ کشورهای اروپای غربی، آمریکای شمالی و استرالیا را به عنوان کشورهای بیشتر توسعه یافته از مطالعه حذف می‌کنیم. پس از حذف این کشورها، ۱۹۹ شتاب رشد باقی می‌ماند. ۱۱۳ کشور حداقل یک بار شتاب در رشد را تجربه کرده‌اند. فراوانی شتاب‌های رشد در سال‌های مختلف در شکل ۳ نمایش داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود شتاب‌های رشد در بیشتر سال‌ها رخ می‌دهند.

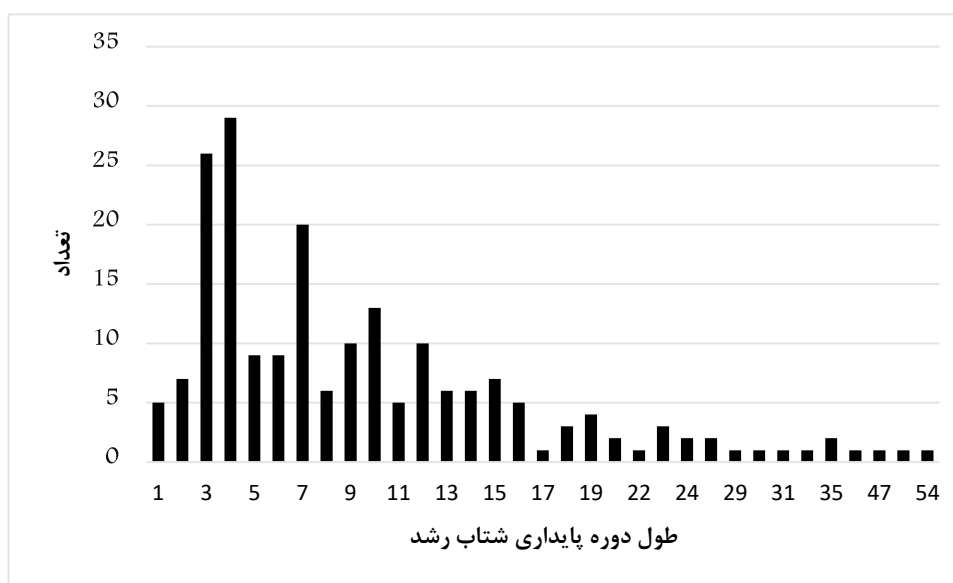


شکل ۳. فراوانی شتاب‌های رشد
مأخذ: یافته‌های پژوهش

¹ Weibull

² Maddison dataset

طول دوره پایداری شتاب رشد را پس از مرحله شتاب یعنی سال هفتم از شروع شتاب اندازه گرفته‌ایم. داده‌های طول پایداری شتاب رشد بازه زمانی ۱۹۶۳ تا ۲۰۲۲ میلادی را در برمی‌گیرد یعنی از هفت سال پس از اولین شتاب قابل‌شناسایی تا هفت سال پس از آخرین شتاب قابل‌شناسایی. شکل ۴ فراوانی طول دوره پایداری را نمایش می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تعداد کمی از شتاب‌های رشد به مدت طولانی پایداری خود را حفظ می‌کنند. میان‌ه طول پایداری شتاب رشد هفت سال است. این یعنی بیش از ۵۰٪ شتاب‌های رشد نتوانسته‌اند بیشتر از هفت سال پایداری خود را حفظ کنند.



شکل ۴. فراوانی طول پایداری شتاب‌های رشد
مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۱ متغیرهای توضیحی استفاده‌شده در برآوردها را معرفی و خلاصه آماری از آن‌ها ارائه می‌کند.

جدول ۱. معرفی متغیرها و خلاصه آماری آن‌ها

متغیر	نماد	کمینه	میانگین	بیشینه	انحراف معیار	مأخذ
قدرت احزاب	PSI	-۲/۲۵۸	۰/۴۲۵	۲/۳۶۵	۲/۸۱۹	محاسبه‌شده توسط پژوهشگران با استفاده از داده‌های V_DEM ^۱
حقوق مالکیت	PR	۰/۰۰۱	۰/۶۰۴	۰/۹۵۲	۰/۲۷۱	V_DEM
لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	lny	۶/۴۵۹	۸/۶۵۸	۱۱/۱۳۵	۰/۹۷۵	داده‌های مدیسون
جنگ خارجی	IW	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸	۵/۰۰۰	۰/۳۵۸	مرکز صلح نظام‌مند ^۲
خشونت خارجی	IV	۰/۰۰۰	۰/۰۱۶	۱/۰۰۰	۰/۱۰۲	مرکز صلح نظام‌مند

^۱ Varieties of democracy

^۲ Center of systemic peace

جنگ داخلی	CW	۰/۰۰۰	۰/۴۱۹	۷/۲۸۶	۱/۲۳۲	مرکز صلح نظام‌مند
خشونت داخلی	CV	۰/۰۰۰	۰/۲۲۰	۵/۰۰۰	۰/۶۵۶	مرکز صلح نظام‌مند
نابرابری	InvOp50	۷۲/۴۸۰	۸۵/۹۹۱	۹۵/۱۲۰	۴/۶۶۷	پایگاه داده نابرابری جهانی ^۱
مردم‌سالاری	Polity2	-۱۰/۰۰	۰/۱۴	۱۰/۰۰	۷/۲۸	مرکز صلح نظام‌مند

مأخذ: یافته‌های پژوهش

قدرت سازمانی احزاب را بر اساس شاخصی که بیزارو و همکاران (۲۰۱۸) معرفی کرده‌اند، محاسبه کرده‌ایم. این شاخص میانگین ۶ متغیر سازمان احزاب است که توسط پایگاه داده V_Dem ارائه شده است. این شش شاخص از قرار زیر هستند:

- ۱- سازمان پایدار در سطح ملی: بیان‌کننده این است که احزاب یک کشور در بین دو انتخابات تا چه میزان فعالیت سازمانی دارند. این نشانه‌ای از پیچیدگی سازمانی حزب و پیوندهای پایدار آن با جامعه است.
 - ۲- وجود شاخه‌های پایدار محلی: این ویژگی نیز پیچیدگی سازمانی و پیوند آن با جامعه را می‌رساند.
 - ۳- سازوکار متمرکز برای انتخاب نامزدها: میزان تمرکز حزب در روند معرفی نامزدها را اندازه‌گیری می‌کند. در متمرکزترین حالت، همه نامزدها توسط رهبران ملی حزب انتخاب می‌شوند؛ و در نامتمرکزترین حالت نامزدها توسط شاخه‌های محلی یا انتخابات مقدماتی مستقیم انتخاب می‌شوند و رهبران حزب نقش حاشیه‌ای را ایفا می‌کنند.
 - ۴- انسجام در قانون‌گذاری: هماهنگی نمایندگان یک حزب در رأی دادن به لوایح مهم را اندازه می‌گیرد. این ویژگی مستقیماً مرتبط با یکپارچگی درون‌حزبی است.
 - ۵- تغییرات حداقلی: درصدی از نامزدها که طی دوره نمایندگی از حزب خود خارج می‌شوند. هرچقدر این میزان پایین‌تر باشد حزب یکپارچگی بیشتری دارد.
 - ۶- پیوندهای برنامه محور و نه حامی‌پرورانه با بدنه اجتماعی: وقتی نامزدهای حزب از طریق امتیاز دادن به اشخاص یا هدف‌گذاری پروژه‌های محلی رأی جمع‌آوری می‌کنند نشانه‌ای از عدم تمرکز در حزب است. در مقابل اگر حزبی برنامه محور باشد؛ تعارض میان اعضا یا بین رهبران مرکزی و محلی به احتمال زیاد کاهش می‌یابد می‌شود زیرا آن‌ها بر سر بیشتر مواضع و اهداف کلان توافق دارند.
- در آخرین نسخه داده‌های V_Dem متغیر پنجم از شش متغیر بالا حذف شده است؛ بنابراین شاخصی که مورد استفاده قرار دادیم؛ میانگین پنج متغیر باقی‌مانده خواهد بود:

$$PSI = (v2psorgs + v2psprbrch + v2pscohes + v2psprlnks - v2pscnslnl)/5 \quad (۵)$$

v2psorgs متغیر پایداری سازمان، v2psprbrch متغیر شاخه‌های محلی، v2pscohesv متغیر انسجام در قانون‌گذاری، v2psprlnks متغیرهای پیوندهای برنامه‌محور و v2pscnslnl متغیر تمرکز در انتخاب نامزدها است. مقادیر بیشتر v2pscnslnl نشان‌دهنده تمرکز کمتر در حزب است؛ بنابراین با علامت منفی جمع می‌شود. مبنای اندازه‌گیری متغیرهای مرتبط با احزاب در پروژه V_Dem پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده توسط کارشناسان هر کشور است.

¹ World inequality database (WID)

برای هر متغیر پرسش‌نامه‌ای شامل چهار یا شش گزینه توسط حداقل پنج کارشناس تکمیل می‌شود سپس با توجه به سطح اطمینان هر کارشناس، یک توزیع احتمال برای درستی پاسخ‌های هر کارشناس در نظر گرفته شده و با ترکیب این توزیع احتمال‌ها، توزیع احتمال کلی هر سؤال به دست می‌آید. امتیاز داده شده به هر متغیر در میانه این توزیع احتمال قرار داد. به این ترتیب امتیازات پردازش شده در این مرحله به صورت پیوسته خواهد بود. پس از جمع‌آوری این امتیازات، مقادیر هر متغیر دوباره به گونه‌ای اصلاح می‌شود که توزیع کلی آن در میان کشور - سال‌ها نزدیک به توزیع نرمال باشد. مقدار این متغیرها به طور نظری بین ۵- و ۵ قرار می‌گیرد (Coppedge et al, 2024)

شاخص حقوق مالکیت، احساس داشتن حقوق مالکیت توسط شهروندان یک کشور را بیان می‌کند. این شاخص به لحاظ نظری بین ۰ و ۱ قرار می‌گیرد که عدد ۱ بیانگر احساس داشتن حقوق مالکیت کامل است. این شاخص را به عنوان پراکسی از ایدئولوژی حاکم بر اقتصاد به کار می‌گیریم. روش گردآوری این متغیر مانند متغیرهای قدرت احزاب است (همان).

لگاریتم تولید سرانه داخلی، به منظور مهار اثرات ساختاری وارد الگو می‌شود (Rodrik, 1999). کشورهای توسعه یافته تر معمولاً تولید سرانه بالاتری دارند و از نهادهای قدرتمندتر اقتصادی و سیاسی از جمله حقوق مالکیت و احزاب سازمان یافته برخوردارند. در صورت عدم ورود تولید سرانه داخلی این همبستگی موجب بیش برآوردی ضرایب خواهد شد. مقادیر تولید سرانه داخلی از داده‌های مدیسون استخراج شده است.

شاخص‌های درگیری داخلی و خارجی به لحاظ نظری می‌توانند عددی بین ۰ و ۱۰ داشته باشند که اعداد بالاتر حاکی از شدت بیشتر این درگیری‌ها دارد. انتظار داریم وقوع درگیری‌ها احتمال پایدار بودن شتاب رشد را کاهش دهد. داده‌های این متغیرها از داده‌های مرکز صلح نظام‌مند^۱ استخراج شده است. این مرکز چهار متغیر جنگ‌های خارجی، جنگ‌های داخلی، خشونت خارجی و خشونت داخلی را از سال ۱۹۴۶ تا ۲۰۱۸ میلادی برای بیشتر کشورها ارائه می‌کند. مبنای محاسباتی مقادیر این متغیرها، تعداد کشته شدگان است که با یک تبدیل لجستیک^۲ به مقیاس ۰ تا ۱۰ انتقال می‌یابد (Marshall, 2019).

نابرابری درآمد ظرفیت نزاع بر سر توزیع درآمد در جامعه را بالا می‌برد و می‌توان از آن به عنوان پراکسی نزاع‌های پنهان اجتماعی استفاده کرد (Rodrik, 1999). این نزاع‌ها می‌توانند بر پایداری رشد اثر منفی بگذارند. پایگاه داده نابرابری جهانی سهم پنج دهک پایین درآمدی از درآمد کل را به عنوان یک شاخص اصلی برای نابرابری ارائه می‌کند (Alvaredo et al, 2024). این متغیر ارتباط مستقیم با برابری درآمدی دارد و مقادیر آن از لحاظ نظری بین ۰ تا ۵/۰ از کمترین تا بیشترین برابری ممکن قرار می‌گیرد. به منظور نشان دادن نابرابری، یک منهای مقادیر این متغیر را وارد الگو کرده‌ایم.

مردم‌سالاری اگرچه اثری بر نرخ رشد ندارد اما به کاهش نوسانات نرخ رشد کمک می‌کند (رودریک، ۲۰۰۷)؛ از این رو می‌تواند بر پایداری شتاب‌های رشد اثر مثبت داشته باشد. برای وارد کردن مردم‌سالاری به الگو از متغیر Polity2 مجموعه داده سیاست^۳ مرکز صلح نظام‌مند استفاده می‌کنیم. مقادیر این متغیر از ۱۰ برای یک نظام کاملاً اقتدارگرا تا ۱۰ برای یک نظام کاملاً مردم‌سالار متغیر است (Marshall & Gurr, 2020).

¹ Center of systemic peace

² Logistic transformation

³ Polity dataset

۴- نتایج و تحلیل یافته‌های تحقیق

جدول ۲ نتایج حاصل از تخمین رابطه (۳) بر اساس متغیرهای توضیحی مختلف را نشان می‌دهد. در کلیه برآوردها متغیرهای مجازی منطقه‌ای و متغیرهای مجازی برای زمان‌های شروع شتاب وارد شده‌اند. شش متغیر مجازی منطقه‌ای عبارت‌اند از: خاورمیانه و شمال آفریقا، جنوب صحرای آفریقا، آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، آسیا - اقیانوسیه و شرق اروپا و آسیای مرکزی. این متغیرها به این دلیل وارد الگو می‌شوند که نتایج وابسته به اثرات خاص منطقه‌ای و زمانی نباشد؛ اما مقادیر ضرایب آن‌ها در جدول نمایش داده نشده است.

مقادیر مثبت ضرایب نشان‌دهنده تأثیر منفی و مقادیر مثبت نشان‌دهنده تأثیر منفی بر پایداری شتاب‌های رشد هستند. به عنوان مثال اگر ضریبی برابر ۰٫۵ باشد؛ بدین معنا است که هر واحد افزایش متغیر توضیحی خطرناپایدار شدن رشد را ۵۰ درصد افزایش می‌دهد. اعداد درون کمان‌ها مقادیر برآوردی انحراف معیار ضرایب را نشان می‌دهند.

در برآورد شماره ۱ به غیر از متغیرهای مجازی منطقه‌ای و زمانی هیچ متغیر توضیحی دیگری در الگوی پایه لحاظ نشده است. ضرایب هر دو متغیر قابل توجه و مورد انتظارند اگرچه ضریب حقوق مالکیت معنادار نیست. ضریب قدرت احزاب حاکی از این است که هر واحد افزایش قدرت احزاب، خطر پایان یافتن پایداری شتاب را حدود ۴۱٪ کاهش می‌دهد. این ضریب در سطح ۵٪ معنادار است.

در برآورد شماره ۲، لگاریتم تولید سرانه داخلی را به مانند دو متغیر اصلی با تأخیر ۷ ساله وارد کرده‌ایم. ضریب این متغیر قابل توجه و حاکی از اثر منفی افزایش تولید سرانه بر پایداری رشد است ولی بی‌معناست. نتایج برای دو متغیر اصلی تفاوت زیادی ندارند.

در برآورد شماره ۳، متغیرهای درگیری‌های داخلی و خارجی را به الگو اضافه کرده‌ایم. مطابق انتظار ضرایب همه این متغیرها مثبت است؛ اما تنها ضریب متغیر جنگ‌های داخلی در سطح ۱۰٪ معنادار است. معناداری و مقدار ضریب قدرت احزاب تفاوت زیادی با برآوردهای قبلی ندارد.

در برآورد شماره ۴، متغیرهای درگیری را به منظور جلوگیری از کاهش بیش از اندازه مشاهدات حذف و متغیر نابرابری درآمد را اضافه می‌کنیم. ضریب این متغیر در سطح ۱٪ معنادار و حاکی از کاهش خطر ناپایدار شدن شتاب با افزایش نابرابری است. این نتیجه خلاف یافته برگ و همکاران (۲۰۱۲) را نشان می‌دهد. هرچند به علت کاهش شدید مشاهدات نتیجه‌گیری قاطعی درباره اثر نابرابری نمی‌توان داشت. در مورد ضریب حقوق مالکیت و لگاریتم تولید ناخالص سرانه هم که برخلاف برآوردهای قبلی به شدت معنادار شده‌اند نیز این موضوع صادق است. در هر حال ضریب قدرت احزاب حتی در این حالت هم مقاومت خوبی از خود نشان داده است. این ضریب هنوز در سطح ۵٪ معنادار و مقدار آن قابل توجه است.

جدول ۲. نتایج برازش الگوها

متغیر	برآورد	۱	۲	۳	۴	۵
PSI(-7)	xx-۰/۴۰۶ (۰/۱۶۷)	xx-۰/۳۹۶ (۰/۱۹۳)	xx-۰/۴۲۹ (-۲/۲۲)	xx-۰/۶۴۲ (۰/۲۶۲)	x-۰/۳۶۹ (۰/۱۹۵)	
PR(-7)	-۰/۶۲۲ (۰/۴۸۷)	-۰/۸۳۷ (۰/۵۱۷)	-۰/۱۳۵۱ (۰/۵۹۱)	xxx-۳/۷۳ (۱/۱۸۱)	۰/۱۹۰ (۰/۶۳۷)	
lny(-7)		۰/۲۱۱ (۰/۱۶۵)	۰/۱۵۳ (۰/۱۹۲)	xxx۱/۱۴۲ (۰/۲۶۴)	x۰/۳۳۸ (۰/۱۸۳)	

۰/۴۰۱					IW
(۰/۲۶۳)					
۰/۱۷۴					IV
(۱/۲۹۵)					
×۰/۱۹۴					CW
(۰/۱۰۹)					
-۱/۷۳۱					CV
(۱/۶۱۲)					
xxx-۰/۲۲۰					InvOp50(-7)
(۰/۰۷۲)					
xx-۰/۰۶۱					Polity2(-7)
(۰/۰۲۴)					
xxx۱/۹۸۲	xxx۲/۵۸۷	xxx۲,۰۵۶	xxx۱/۹۳۳	xxx۱/۹۹۳	α
(۰/۱۵۸)	(۰/۲۶۶)	(۰/۱۷۳)	(۰/۱۴۰)	(۰/۱۳۳)	
۱۵۸۰	۱۱۸۰	۱۴۰۷	۱۷۲۱	۱۷۲۱	تعداد مشاهدات
۱۳۷/۵۰	۱۴۶/۲۳	۱۳۷/۶۳	۱۵۳/۱۶	۱۵۱/۵۲	نسبت درستی
(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(مقدار پی)
۰/۳۵۴	۰/۵۹۵	۰/۳۶۴	۰/۳۳۷	۰/۳۳۴	شبه R ²

نشانه * به معنای $p < ۱۰\%$ ، ** به معنای $p < ۵\%$ و *** به معنای $p < ۱\%$ است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در برآورد شماره ۵، متغیر مردم‌سالاری به الگوی پایه اضافه شده است. ضریب این متغیر قابل توجه و در سطح ۵٪ معنادار است. مقدار این ضریب به مقادیر به دست آمده از مطالعه برگ و همکاران (۲۰۱۲)، بسیار نزدیک است. مقدار ضریب قدرت احزاب به مقادیر برآوردهای قبلی نزدیک است اما معناداری آن کاهش یافته است؛ با این وجود هنوز در سطح ۱۰٪ معنادار است.

مقدار عامل α در تمامی برآوردها بیشتر از یک و معنادار است. این بدان معنا است که شتاب‌های رشد میل به ناپایداری دارند و با گذشت زمان احتمال خارج شدن شتاب رشد از حالت پایدار بیشتر می‌شود. این نتیجه نیز با نتایج مطالعه برگ و همکاران (۲۰۱۲)، سازگار است.

در مجموع می‌توان گفت شتاب‌های رشد میل به ناپایداری دارند اما نهادهایی با کارکرد مدیریت نزاع مثل احزاب قدرتمند و مردم‌سالاری با کاهش این میل رابطه مستقیمی دارند. این نتایج با مبانی نظری این حوزه که پایداری نرخ‌های رشد اقتصادی را با نهادهای مدیریت نزاع مرتبط می‌داند سازگار است. قدرت احزاب اثر معنادار و قدرتمندی بر پایداری شتاب‌های رشد از خود نشان می‌دهد. این نتیجه با مطالعه بیزارو و همکاران (۲۰۱۸) در رابطه با احزاب و رشد اقتصادی سازگار است. حقوق مالکیت به نمایندگی از ایدئولوژی حاکم بر اقتصاد در اکثر برآوردها اثر مثبت و قابل توجهی بر کاهش احتمال ناپایدار شدن شتاب‌های رشد نشان می‌دهد؛ هرچند که این اثر در اکثر به لحاظ آماری موارد معنادار نیست.

۵ - نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها سیاستی

موانع ساختار سیاسی از جمله افق دید کوتاه مدت بازیگران، ایدئولوژی‌های معارض توسعه، نقص‌های اطلاعاتی و عدم توانایی در مهار منازعات، انطباق چارچوب نهادی برای تداوم رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. احزاب سیاسی

به عنوان سازمان واسط میان ساختار اجتماعی و ساختار سیاسی می توانند این موانع را تعدیل کنند. از لحاظ نظری حزابی که از قدرت سازمانی بالاتری برخوردارند به شرط بهره گیری از ایدئولوژی های همسو با توسعه می توانند بر این موانع فائق آیند؛ اما احزاب سازمان هایی هستند که از میان تغییرات ساختاری اقتصادهای جوامع غربی سربرآورده اند و نتیجه عملکرد آنها در کشورهای در حال توسعه با نتیجه عملکرد آنها در جوامع محل تولدشان الزاماً یکسان نیست. از سوی دیگر بیشتر کشورهای در حال توسعه در طی دوره هایی از زمان که به شتاب های رشد معروف اند رشدهای بالایی را تجربه می کنند که با میانگین رشد قبلی آنها فاصله زیادی دارد اما تنها تعدادی از این کشورها برای مدت طولانی موفق به حفظ رشد پایدار پس از این مرحله می شوند. در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بودیم که آیا کشورهای در حال توسعه دارای احزاب قوی تر به لحاظ سازمانی، شتاب های رشد پایدارتری را تجربه می کنند یا خیر؟

نتایج به دست آمده حاکی از اثر قابل توجه قدرتمند بودن احزاب بر کاهش احتمال ناپایدار شدن شتاب های رشد است. این نتایج نسبت به وارد کردن متغیرهای سطح تولید ناخالص سرانه، درگیری مسلحانه، نابرابری و مردم سالاری در الگو مقاومت خوبی از خود نشان می دهند. علی رغم این اثر قدرتمند، متغیر شاخص احزاب میزان بسیار کمی از تغییرات احتمال ناپایدار شدن رشد را توضیح می دهد. با توجه به رابطه غیرمستقیم احزاب و عملکرد اقتصادی این نتایج قابل توجه اند.

نتایج به دست آمده ضرورت توجه سیاست گذار به آثار قوانین احزاب و انتخابات بر عملکرد اقتصادی را گوشزد می کند؛ هر چند برای داشتن توصیه های سیاستی مشخص نیاز به تحقیقات بیشتری در این زمینه است. در این پژوهش احزاب را از دریچه قدرت سازمانی آنها بررسی کردیم اما قدرت عمل احزاب و انگیزه های آنها برای ایجاد تغییرات اقتصادی تنها به سازمان درونی آنها وابسته نیست. فضای رقابت و تعامل میان احزاب می تواند نقش مهمی در شکل دهی انگیزه ها و همچنین قدرت سازمانی آنها داشته باشد. قوانین انتخاباتی و قانون احزاب و به طور کلی قواعدی که چارچوب بازی را برای احزاب مشخص می کنند در این رابطه حائز اهمیت هستند؛ بنابراین پیشنهاد می شود پژوهش های آتی این نکته را مدنظر قرار داده و نتایج اقتصادی تغییرات این قواعد را برای سیاست گذار تشریح کنند.

منابع

منابع داخلی

- بخشی آئی، رضا، نیلی، مسعود و برکچیان، سید مهدی. (۱۴۰۱). دموکراسی یا دیکتاتوری: اثر نوع نظام سیاسی بر نهادهای اقتصادی. *فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی*. ۳۰ (۱۰۲): ۵۳-۷۸.
- رودریک، دنی. (۲۰۰۷). *یک علم اقتصاد تجویزهای بسیار* (ترجمه هادی ورتابیان کاشانی)، تهران: پیک نور.
- کالیز، جان و جونز، فلیپ. (۲۰۰۹). *مالیه عمومی و انتخاب عمومی* (ترجمه الیاس نادران، آرش اسلامی و علی چشمی) (۱۳۸۸). تهران: انتشارات سمت.
- گانتر، ریچارد و دیاموند، لاری. (۲۰۰۱). احزاب سیاسی و مردم سالاری (ترجمه علی اصغر قاسمی سیانی و محمدتقی دلفروز)، (۱۳۸۳). تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- نورث، داگلاس (۱۹۸۱). *ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی* (ترجمه غلامرضا آزاد)، تهران: نشر نی.
- نورث، داگلاس (۱۹۹۰). *نهادهای تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی* (ترجمه محمدرضا معینی)، (۱۳۷۷). تهران: مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- نورث، داگلاس (۲۰۰۵). *فهم فرآیند تحول اقتصادی* (ترجمه میرسعید مهاجرانی و زهرا فرضی زاده)، (۱۳۹۶). تهران: انتشارات نهادگرا.

منابع خارجی

- Alvaredo, F, Atkinson, A. B, Piketty, T, & Saez, E. (2024). World inequality database. WID.world. <http://wid.world/data>
- Berg, A, Ostry, J. D, & Zettelmeyer, J. (2012). What makes growth sustained? *Journal of Development Economics*, 98(2), 149-166. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2011.08.002>
- Bizzarro, F, Gerring, J, Knutsen, C. H, Hicken, A, Bernhard, M, Skaaning, S.E... Lindberg, S. I. (2018). Party strength and economic growth. *World Politics*, 70(2), 275–320. <https://doi.org/10.1017/S0043887117000375>
- Bolt, J, & Zanden, J. L. van. (2023). Maddison project database, version 2023. <https://www.rug.nl/ggdc/historicaldevelopment/maddison/research>
- Coppedge, M, Gerring J, Knutsen C. H, Lindberg, S. I, Teorell, J, Altman, D, Angiolillo, F, Bernhard, M, Borella, C, Cornell, M, Fish, S, Fox, L, Gastaldi, L, Gjerløw, H, Glynn, A, Good God, A, Grahn, S, Hicken, A, Kinzelbach, Z, ... & Ziblatt, D. (2024). "V-Dem [Country-Year/Country-Date] Dataset v14" Varieties of Democracy (V-Dem) Project. <https://doi.org/10.23696/mcwt-fr58>.
- Golosov, G. V. (2022). *AUTHORITARIAN PARTY SYSTEMS: Party Politics in Autocratic Regimes 1945–2019*: World Scientific.
- Goulet, D. (1986). Three rationalities in development decision-making. *World Development*, 14(2), 301–317.
- Hausmann, R, Pritchett, L, & Rodrik, D. (2005). *Growth Accelerations*. *Journal of Economic Growth*, 10(4), 303–329. <https://www.jstor.org/stable/40216082>
- Jones, P, & Hudson, J. (1998). The role of political parties: An analysis based on transaction costs. *Public Choice*, 94(1), 175–189. <https://www.jstor.org/stable/30024331>
- Kaur, P. (2007). Growth Acceleration in India. *Economic and Political weekly*, 42(15), 1380-1386.
- LaPalombara, J, & Weiner, M. (1966). The origin and development of political parties. *Political parties and political development*, 3–42.
- Lipset, S. M, & Rokkan, S. (1967). *Party Systems and Voter Alignments: Cross-National. Perspectives*. Free Press.
- Marshall, M. G, & Gurr, T. R. (2020). Polity v project, political regime characteristics and transitions, 1800-2018. Center for Systemic Peace. <https://www.systemicpeace.org/polityproject.html>
- Marshall, M. G. (2019). Major Episodes of Political Violence (MEPV) and Conflict Regions, 1946-2018. Center for Systemic Peace. <https://www.systemicpeace.org/warlist/warlist.htm>
- Pritchett, L. (2000). Understanding patterns of economic growth: searching for hills among plateaus, mountains, and plains. *The World Bank Economic Review*, 14(2), 221–250.
- Primo, D. M, & Snyder, Jr, J. M. (2010). Party strength, the personal vote, and government spending. *American Journal of Political Science*, 54(2), 354-370. <https://doi.org/10.1111/j.1540-5907.2010.00435.x>
- Rodrik, D. (1999). Where did all the growth go? External shocks, social conflict, and growth collapses. *Journal of economic growth*, 4(4), 385–412.
- Wooldridge, J. M. (2010). *Econometric analysis of cross section and panel data*. MIT press.